

هوالبصیر

درآمدی بر چستی و چرائی حلقه‌های میانی

در نسبت با تمدن اسلامی

ستاد جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی استان اصفهان

شورای معاونت راهبردی

تابستان ۱۴۰۰



من با اطمینان کامل می‌گویم؛ این سربرافراشتن اسلام و تجدید حیات قرآن و اسلام، هنوز آغاز کار است. و تحقق کامل وعده الهی یعنی پیروزی حق بر باطل و بازسازی امت قرآن و تمدن نوین اسلامی در راه است: «وَعَدَ اللَّهُ الَّذِينَ آمَنُوا مِنْكُمْ وَعَمِلُوا الصَّالِحَاتِ لَيَسْتَخْلِفَنَّهُمْ فِي الْأَرْضِ كَمَا اسْتَخْلَفَ الَّذِينَ مِنْ قَبْلِهِمْ وَ لَيُمَكِّنَنَّ لَهُمْ دِينَهُمُ الَّذِي ارْتَضَى لَهُمْ وَلَيُبَدِّلَنَّهُمْ مِنْ بَعْدِ خَوْفِهِمْ أَمْنًا يَعْبُدُونَنِي لَا يُشْرِكُونَ بِي شَيْئًا وَمَنْ كَفَرَ بَعْدَ ذَلِكَ فَأُولَئِكَ هُمُ الْفَاسِقُونَ»؛ ۵۵ نور. نشانه این وعده تخلف‌ناپذیر در اولین و مهم‌ترین مرحله، پیروزی انقلاب اسلامی در ایران و بنای بلندآوازه نظام اسلامی بود که ایران را به پایگاه مستحکمی برای اندیشه حاکمیت و تمدن اسلامی تبدیل کرد.



به جای مقدمه

ما به یک حرکت عمومی به سمت چشم‌انداز^۱ نیاز داریم. باید یک حرکت عمومی در کشور راه بیفتد... این حرکت طبعاً با محوریت جوان متعهد است... یک حرکت عمومی معقول و منضبط و صحیح و منتظم و عقلانی اگر بخواهد انجام بگیرد، به چند چیز نیاز دارد:

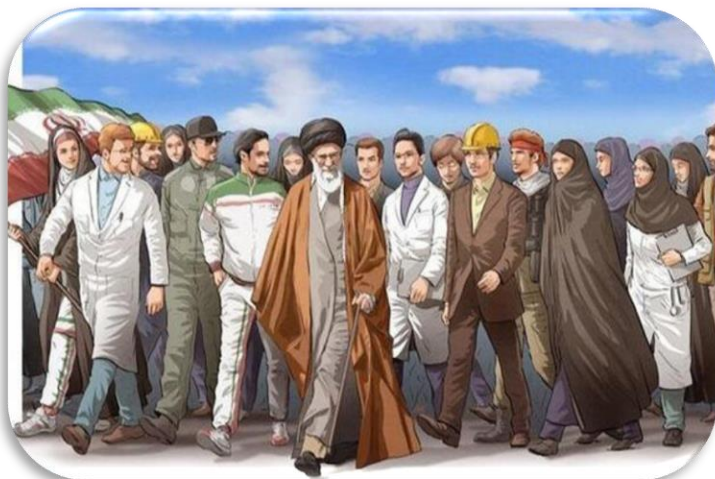
- نیاز دارد به اینکه از صحنه یک شناختی وجود داشته باشد...
 - باید یک جهت‌گیری مشخصی داشته باشد...
 - یک عامل امیدبخشی باید وجود داشته باشد...
 - بالاخره در هر برهه‌ای راهکارهای عملی لازم است...^۲
- این آخری که مسئله راهکارهای عملی باشد، احتیاج دارد به هدایت، تمرکز، پیگیری، فعالیت پی‌درپی و لحظه‌به‌لحظه برای اینکه بتواند این کاروان عظیم جامعه را و مهم‌تر از همه جوان‌های جامعه را به پیش ببرد. این کار چه کسی است؟ این تمرکز، این ایجاد برنامه کار، پیدا کردن راهکار، ارائه راهکار، برنامه‌ریزی، به عهده چه کسی است؟ این به عهده جریان‌های حلقه‌های میانی است. این، نه به عهده رهبری است، نه به عهده دولت

^۱ جامعه اسلامی و تمدن اسلامی

^۲ تبیین این‌ها نیاز دارد به ذهن فعال و زبان گویا

است، نه به عهده دستگاه‌های دیگر است؛ [بلکه] به عهده مجموعه‌هایی از خود ملت است که خوشبختانه امروز ما این را کم هم نداریم. ما نخبه‌های فکری در زمینه‌های گوناگون مورد نیاز در میان جوانان، در میان مسئولین خودمان داریم. این‌ها می‌توانند بنشینند برنامه‌ریزی کنند و هدایت کنند. تشکّل‌های دانشجویی از این قبیل‌اند، مجموعه‌های باتجربه و فعال در زمینه‌های فرهنگی و فکری و مانند این‌ها از این قبیل‌اند و هر که هم در این زمینه‌ها فعال‌تر باشد، مؤثرتر است...

همه این کارها باید به وسیله جوان‌ها برنامه‌ریزی بشود. البته همه این‌ها هم با الهام‌گیری از آن جهت‌گیری کلی در جهت رسیدن به جامعه اسلامی و تمدن اسلامی است. در همه این کارها، آن برنامه‌ریزان، آن مراکز برنامه‌ریزی و هدایت- که گفتیم حلقه‌های میانی باید آن را انجام بدهند- باید به آن جهت‌گیری توجه داشته باشند... ورود در عرصه مدیریت برای نسل جوان از این راه‌ها اتفاق می‌افتد.^۳



تبیین موضوع

عبارت «حلقه میانی»^۴ در فضای فرهنگی اجتماعی انقلابی، از سوی مقام معظم رهبری در دیدار با دانشجویان در خردادماه سال ۹۸ مطرح شد. این بیان، اگرچه بازآشنایی جدیدی از مفهوم «جبهه‌سازی» معهود در سال ۹۲ البته به شکلی کاربردی و عملیاتی بود، بی‌شک، رویکرد و مرحله جدیدی را در نقش‌آفرینی و کنشگری فعالین فرهنگی جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی رقم زد. بیانی که سرآغاز تأملات، تعاملات، مباحثات و بازبینی‌های رویکردی و عملی در جبهه فرهنگی انقلاب شد. مطابق با فرمایشات معظم‌له، از وظایف و مأموریت‌های حلقه‌های میانی، عهده‌داری برنامه‌ریزی و ارائه راهکار برای سرعت، نظم و عقلانیت بخشیدن به حرکت عمومی جامعه به سمت چشم‌انداز بلند خود؛ جامعه و تمدن اسلامی است و این مأموریت را، تنها و تنها، مأموریت حلقه‌های میانی دانسته و نه دولت و نه حتی خود.

از نگاه رهبر معظم انقلاب، این پدیده باتجربه و فعال مردمی، حلقه گمشده تقویت و توسعه حرکت عمومی جامعه با محوریت جوانان به سمت جامعه و تمدن اسلامی است. و چون رکن اصلی این برنامه‌ریزی برای حرکت عمومی، جوانان^۵ هستند، نتیجه آن، ورود جوانان به عرصه مدیریت کشور و در انتها، استمرار و سرعت این حرکت عمومی خواهد بود.

^۴ تحلیل‌هایی درخصوص عبارت «جریان‌ها» نیز وجود دارد که خود مجال مستقلى می‌طلبند از جمله اینکه منظور از جریان‌ها، حیطه‌ها و حوزه‌های عمل این حلقه‌هاست یا اینکه منظور، نقش واسطه‌ای و دوطرفه بودن عمل حلقه‌هاست و ... اما به جهت تمرکز این متن بر پیوستی و چرایی حلقه میانی، کلمه «جریان‌ها» حذف شده است.

^۵ آن جوانی که می‌تواند پیشران حرکت عظیم کشور به سوی تمدن نوین اسلامی باشد کدام جوان است؟ چه جور جوانی است؟ بنیه معنوی اینجا معنا پیدا می‌کند؛ جوانی که با انگیزه است، با ایمان است، با خرد است، قادران توان خویش است، اهل کار است، اهل ابتکار است، توکل به خدا دارد، اعتماد به نفس دارد. (بیانات در دیدار بسیجیان، ۹۸/۰۹/۰۶)

با این تعابیر بلند و البته واقع‌بینانه نسبت به حلقه‌های میانی و تمدن اسلامی، یافتن ویژگی‌ها، مصادیق و کارکرد حلقه‌ها، موضوعیت و حتی اولویت پیدا می‌کند. کنشگران جبهه فرهنگی انقلاب باید بدانند حلقه میانی چیست، چگونه ایجاد و تقویت می‌شود، بستر اثرگذاری آن چگونه مهیا می‌شود، ابعاد و اجزاء تمدن اسلامی چیست، حلقه میانی چگونه به تحقق تمدن اسلامی کمک می‌کند و سؤالاتی از این جنس، تا بتوانند نگاه و افق مدنظر رهبر معظم انقلاب در این موضوع را درک کنند.

از این رو، ستاد جبهه فرهنگی انقلاب اسلامی اصفهان بر خود لازم دانست با هدف ترسیم تصویری دقیق از تمدن اسلامی و حلقه‌های میانی و همچنین ترسیم نقشه عملیاتی دقیق و کاربردی برای تحقق، تقویت و توسعه این حلقه‌ها در جبهه فرهنگی استان، پاسخ سؤالات فوق را با کمک و مشارکت عناصر جبهه فرهنگی استان، مشخص کند و با اشتراک‌گذاری آن با بدنه جبهه فرهنگی انقلاب در استان، ضمن جمع‌بندی نهائی نظری، مقدمات اجرایی شدن آن در سطح بدنه عمومی جبهه را فراهم کند.

تمدن اسلامی

از نگاه مقام معظم رهبری، «بعثت انبیاء، برای ایجاد یک جامعه فاضله است؛ برای ایجاد یک تمدن است.»^۶ پس «ما باید دنبال تمدن نوین اسلامی باشیم برای بشریت... امروز نوبت مسلمین است که با همت خود، تمدن نوین اسلامی را شالوده‌ریزی کنند. همچنان‌که اروپایی‌ها از دانش مسلمین استفاده کردند، از تجربه مسلمین استفاده کردند، از فلسفه مسلمین استفاده کردند، ما هم امروز از دانش جهان استفاده می‌کنیم، از ابزارهای موجود جهانی استفاده می‌کنیم برای برپا کردن تمدن اسلامی، منتها با روح اسلامی و با روح معنویت. این وظیفه امروز ما است.»^۷

بدیهی است که شالوده‌ریزی و برپا کردن تمدن، سیری تدریجی دارد که لازمه تحقق آن، تحقق مراحل مقدماتی است. «آنچه در اوّل انقلاب در سال ۵۷ اتفاق افتاد، مرحله اوّل انقلاب بود یعنی انفجار در مقابل نظام غلط باطل طاغوت و ایجاد یک نظام جدید بر مبنای آرمان‌ها و ارزش‌های نو و با لغت نو، با تعبیر نو، با مفاهیم نو؛ این مرحله اوّل انقلاب بود. بعد در مرحله دوم، این نظام بایستی ارزش‌ها را محقق کند... به ارزش‌ها اگر بخواهد تحقق ببخشد، یک دستگاه مدیریتی لازم دارد که آن می‌شود دولت اسلامی. بنابراین مرحله بعد از نظام اسلامی، ایجاد دولت اسلامی است، دولتی که ارکان آن، انقلاب را از بن دندان باور کرده باشند و دنبال انقلاب باشند. بعد که این دولت اسلامی تشکیل شد، آن وقت بایستی به‌وسیله اجرائیات درست- قانون درست، اجرای درست- این آرمان‌ها

^۶ ۹۸/۰۱/۱۴ بیانات در دیدار مسئولان نظام و سفرای کشورهای اسلامی

^۷ ۹۴/۱۰/۰۸ بیانات در دیدار مسئولان نظام و میهمانان کنفرانس وحدت اسلامی

و ارزش‌هایی که مطرح شده، این آرزوهای بزرگ انقلابی، یکی‌یکی در جامعه تحقق پیدا کنند؛ آن وقت نتیجه می‌شود جامعه اسلامی؛ یک جامعه اسلامی به وجود می‌آید که این مرحله چهارم است. حرکت انقلابی، نظام اسلامی، دولت اسلامی، جامعه اسلامی؛ این چهارم [است]. بعد که جامعه اسلامی درست شد، آن وقت زمینه برای ایجاد تمدن انقلابی و اسلامی به وجود می‌آید.... این مرحله‌ای است که وجود دارد.^۸ با این مقدمات، پرداختن و حرکت به سمت تمدن اسلامی، امری تدریجی و وظیفه قطعی امروز ما خواهد بود.

مفهوم تمدن اسلامی

فرهنگ و تمدن، از جمله عبارات آشنا با ذهن اما مبهم می‌باشند که اتفاقاً در هندسه مفاهیم انقلابی و اسلامی نیز جایگاه ویژه‌ای دارند. در نگاه انقلابی و دینی، «تمدن» یعنی زندگی توأم با نظم علمی، با تجربیات خوب زندگی، استفاده از پیشرفت‌های زندگی، و تدبیر یعنی جهت درست در زندگی داشتن، جهت عدل، انصاف، صفا، صداقت و رو به طرف خدا^۹، پس خصوصیت استثنایی جامعه و تمدن اسلامی، ترکیب و آمیختگی دنیا و آخرت باهم^{۱۰} خواهد بود. به عبارت دیگر «تمدن اسلامی یعنی آن فضایی که انسان در آن فضا از لحاظ معنوی و از لحاظ مادی می‌تواند رشد کند و به غایات مطلوبی که خدای متعال او را برای آن غایات خلق کرده است برسد؛ زندگی خوب و عزتمند، انسان عزیز، انسان دارای قدرت، اراده، ابتکار، سازندگی جهان طبیعت؛ تمدن اسلامی یعنی این؛ هدف و آرمان نظام جمهوری اسلامی این است... البته تمدن اسلامی به صورت کامل در دوران

^۸ بیانات در دیدار جمعی از دانشجویان ۹۷/۰۳/۰۷

^۹ گفت و شنود صمیمانه رهبر انقلاب با جمعی از جوانان و نوجوانان ۷۶/۱۱/۱۴

^{۱۰} بیانات در دیدار مردم شاهرود ۸۵/۰۸/۲۰

ظهور حضرت بقیة‌الله ارواح‌نافداه است. در دوران ظهور، تمدن حقیقی اسلامی و دنیای حقیقی اسلامی به وجود خواهد آمد.^{۱۱}

اگر پذیرفتیم که تمدن اسلامی، پیشرفت توأمان در مادیات و معنویات و پرداختن همزمان به دنیا و آخرت است، این نکته را نیز باید بپذیریم که «این تمدن نوین دو بخش دارد:

یک بخش ابزاری، یک بخش متنی و اساسی که به هر دو بخش باید رسید.

بخش ابزاری عبارت است از همین ارزش‌هایی که ما امروز به عنوان پیشرفت کشور مطرح می‌کنیم: علم، اختراع، صنعت، سیاست، اقتصاد، اقتدار سیاسی و نظامی، اعتبار بین‌المللی، تبلیغ و ابزارهای تبلیغ؛ این‌ها وسیله است... اما بخش حقیقی، آن چیزهایی است که متن زندگی ما را تشکیل می‌دهد؛ که همان سبک زندگی^{۱۲} است.

... سبک زندگی نیز، تابع تفسیر ما از زندگی است؛ یعنی هر هدفی که ما برای زندگی معین کنیم، به طور طبیعی، متناسب با خود، یک سبک زندگی به ما پیشنهاد می‌کند.^{۱۳} پس آنچه در تمدن، اصالت، اولویت و موضوعیت دارد سبک زندگی برداشت شده از جهان‌بینی است. به عبارت دیگر، تمرکز و برنامه‌ریزی در جهت کشف، تبیین و ترویج سبک زندگی انقلابی و اسلامی (بعنوان جهان‌بینی منتخب)، مصداق حرکت به سمت تمدن اسلامی خواهد بود.

^{۱۱} بیانات در دیدار رئیس و اعضای مجلس خبرگان رهبری ۹۲/۰۶/۱۴

^{۱۲} مثل مسئله خانواده، سبک ازدواج، نوع مسکن، نوع لباس، الگوی مصرف، نوع خوراک، نوع آشپزی، تفریحات، مسئله خط، مسئله زبان، مسئله کسب و کار، رفتار ما در محل کار، رفتار ما در دانشگاه، رفتار ما در مدرسه، رفتار ما در فعالیت سیاسی، رفتار ما در ورزش، رفتار ما در رسانه‌ای که در اختیار ماست، رفتار ما با پدر و مادر، رفتار ما با همسر، رفتار ما با فرزند، رفتار ما با رئیس، رفتار ما با مروتوس، رفتار ما با پلیس، رفتار ما با مأمور دولت، سفرهای ما، نظافت و طهارت ما، رفتار ما با دوست، رفتار ما با دشمن، رفتار ما با بیگانه و ...

^{۱۳} بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی ۹۱/۰۷/۲۳

شاخصه‌ها و لوازم

تمدن اسلامی، شاخصه‌ها و لوازمی دارد که تحقق تمدن منوط به شکل‌گیری و وجود آن‌هاست. به عبارت دیگر، تمدن اسلامی زمانی می‌تواند اندیشه پیشرفته و اخلاق والا را به امت اسلامی و به همه بشریت هدیه دهد و نقطه رهائی از تمدن امروز غرب - با شاخصه جهان‌بینی مادی و ظالمانه و اخلاق به لجن کشیده - باشد که «ایمان و علم و اخلاق و مجاهدت مداوم»^{۱۴} در بین آحاد جامعه اسلامی وجود و جریان پیدا کرده باشد.

ایمان: در درجه اول، نیاز تمدن‌سازی اسلامی نوین به ایمان است.^{۱۵} ایمان، همان عاملی است که یک روز اسلام را از یک جمع محدود غریب، به یک تمدن عظیم جهانی تبدیل کرد... توجه به خدا و توجه به معنویت، باعث تکوین چنین تمدنی شد و آلا با انگیزه‌ها و تلاش‌های مادی، چنین تمدن ماندگاری به وجود نمی‌آمد.^{۱۶} در صدر اسلام، رسول مکرّم اسلام (ص) و صحابه و نیز جانشینان بزرگوار ایشان، در برابر قدرت‌های بزرگ زمان خود، علی‌الظاهر کوچک بودند؛ اما ایمان به آن‌ها قدرت بخشید و توانستند برای چندین قرن، عظمتی را در تاریخ ایجاد کنند. ما چرا نتوانیم؟ «وَلَا تَهِنُوا وَلَا تَحْزَنُوا وَأَنْتُمُ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ»؛ شرطش ایمان است.^{۱۷}

حرکت علم: تمدن اسلامی به برکت حرکت علمی که روز اول در اسلام شروع شد به وجود آمد.^{۱۸} پس، «بدون شک، علم، پایه تمدن است؛ اما شرط کافی برای یک مدنیت درست

^{۱۴} ۹۲/۰۲/۰۹ بیانات در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی

^{۱۵} ۹۱/۰۷/۲۳ بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی

^{۱۶} ۷۵/۱۱/۲۱ بیانات در دیدار کارگزاران نظام

^{۱۷} ۶۸/۱۲/۰۳ بیانات در دیدار جمعی از روحانیون مسلمان آفریقایی

^{۱۸} ۸۳/۰۷/۰۵ بیانات در دیدار جمعی از نخبگان علمی

نیست.^{۱۹} درواقع، «نگاه اجتهادی و عالمانه به عرصه‌های گوناگون، از علوم انسانی تا نظام تعلیم و تربیت رسمی و از اقتصاد و بانکداری تا تولید فنی و فن‌آوری، و از رسانه‌های مدرن تا هنر و سینما و تا روابط بین‌الملل و ...، همه از لوازم این تمدن‌سازی است.»^{۲۰} و برای بروز رکن علم در تحقق تمدن اسلامی مورد نیاز است.

جهاد مخلصانه: گاهی سؤال می‌شود که تمدن اسلامی چگونه به وجود آمد؟ برخی اعتقاد دارند از ترجمه آثار ایران و برخی معتقدند که از ترجمه آثار روم گرفته شده است. اما این حرف‌ها، حرف‌های جاهلانه‌ای است. جواب این است که «جوهر تمدن اسلامی از درون خودش بود... اسلام یک درس را به مسلمین تعلیم کرد... و آن درس، درس مجاهدت خالصانه و مخلصانه است. هر جا که مجاهدت خالصانه و مخلصانه باشد، نتیجه‌اش درخشش و تلالؤ خواهد بود.»^{۲۱}

عدم تقلید از غرب: ما برای ساختن بخش اصلی تمدن نوین اسلامی (سبک زندگی مبتنی بر جهان‌بینی)، بشدت باید از تقلید پرهیز کنیم... باطن فرهنگ غربی عبارت است از همان سبک زندگی مادی شهوت‌آلود گناه‌آلود هویت‌زدا و ضد معنویت و دشمن معنویت. شرط رسیدن به تمدن اسلامی نوین این است که از تقلید غربی پرهیز شود.^{۲۲}

پرورش نسلی انقلابی: برای ایجاد یک تمدن اسلامی، دو عنصر اساسی لازم است: یکی تولید فکر، یکی پرورش انسان. فکر اسلامی مثل یک دریای عمیق است؛ یک اقیانوس

^{۱۹} بیانات در دیدار اساتید دانشگاه شهید بهشتی ۸۲/۰۲/۲۲

^{۲۰} ۹۲/۰۲/۰۹ بیانات در اجلاس «علما و بیداری اسلامی»

^{۲۱} ۷۳/۰۶/۲۹ بیانات در دیدار فرماندهان سپاه

^{۲۲} ۹۱/۰۷/۲۳ بیانات در دیدار جوانان استان خراسان شمالی

است... و تولید فکر در هر زمانی متناسب با نیاز آن زمان از این اقیانوس عظیم معارف ممکن است.^{۲۳} اما «راه برافراختن پرچم تمدن نوین اسلامی، تربیت نسلی است شجاع، باسواد، متدین، دارای ابتکار، پیشگام، خودباور، غیور... دارای انگیزه کافی و توان جسمی و فکری برای حرکت، هدف را در نظر بگیرد، چشم را به اهداف دور متوجه نکند، زندگی خودش و وجود خودش را بگذارد در راه این هدف و با جدیت حرکت کند؛ در یک کلمه یعنی یک موجود انقلابی؛ معنای انقلابی این است.»^{۲۴} تربیت یک چنین انسان‌هایی، یک چنین جوان‌هایی، پایه اصلی ایرانِ سربلند فردا است، پایه اصلی تمدن نوین اسلامی است.^{۲۵}



^{۲۳} ۷۹/۰۷/۱۴ بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه

^{۲۴} ۹۵/۰۷/۲۸ بیانات در دیدار نخبگان علمی جوان

^{۲۵} ۹۸/۰۲/۱۱ بیانات در دیدار معلمان و فرهنگیان

حلقه میانی

تعریف

کنشگرانی^{۲۶} از میدان کارزار فرهنگی اجتماعی که با فهم ضرورت حرکت عمومی جامعه به سمت چشم‌انداز جامعه و تمدن اسلامی با محوریت جوانان، بر توسعه و تقویت آن تمرکز کرده و ضمن برنامه‌ریزی برای این امر، راهکارهای عملیاتی نیز برای تحقق آن ارائه می‌دهند.

ضرورت وجود

- لزوم حرکت جامعه به سمت چشم‌انداز جامعه و تمدن اسلامی
- لزوم تمرکز، برنامه‌ریزی و ارائه راهکار برای تقویت این حرکت عمومی
- لزوم تقویت حرکت عمومی جامعه توسط افراد و مجموعه‌هایی از خود مردم
- ضرورت ورود نسل جوان به عرصه مدیریت کشور
- وجود نخبگان فکری و فرهنگی در زمینه‌های مختلف
- لزوم ورود مردم به مقام افاده و استفاده و دفاع خودشان از انقلاب خودشان^{۲۷}
- تحدید کمک به حرکت عمومی جامعه به حلقه میانی در کلام رهبر معظم انقلاب

^{۲۶} پیش‌فرض در این عبارت این است که هر کنشگر فرهنگی اجتماعی، در لایه و نسبتی از توان و ظرفیت، پتانسیل کمک به حرکت عمومی جامعه به سمت تمدن اسلامی را داراست. چون «برای ایجاد یک تمدن اسلامی دو عنصر اساسی لازم است: یکی تولید فکر، یکی پرورش انسان... در آن جایی که فکر و انسان باید تولید شود، ببینید نقش‌آفرینان چه کسانی هستند... این نقش‌آفرینان کسانی هستند که باید بتوانند افکار را هدایت کنند... باید کسانی باشند که بتوانند روح ایمان را در انسانها پرورش دهند... آحاد مردم هر کدام به نحوی می‌توانند در خور استعداد خود نقش‌آفرینی کنند». (بیانات در جمع اساتید، فضلا و طلاب حوزه علمیه قم در مدرسه فیضیه ۷۹/۰۷/۱۴)

^{۲۷} دیدار با کادر قرارگاه قرب؛ ۹۵/۸/۱۹

مصادق

هر فرد یا مجموعه فکری فرهنگی اجتماعی که بتواند متناسب با توان و ظرفیت خود به این حرکت عمومی کمک کند حلقه میانی است. به عبارت دیگر، هر کنشگری که بتواند برای اموری از جمله موارد زیر برنامه‌ریزی کرده و راهکار ارائه نماید، حلقه میانی است:

- تولید دانش نسبت به موضوع «جامعه و تمدن اسلامی» و ضرورت حرکت به سمت آن

- کمک به ایجاد شناخت و اقناع دیگران نسبت به «جامعه و تمدن اسلامی» و ضرورت حرکت به سمت آن

- ایجاد بستر عمل برای دیگران منطبق بر مختصات جامعه و تمدن اسلامی

- ایجاد توان برای دیگران در جهت یافتن «نسبت فعالیت‌های خود^{۲۸} با جامعه و تمدن اسلامی» و انجام همان فعالیت‌ها با نگاه جهت‌یافته تمدنی^{۲۹}

- ایجاد انگیزه در دیگران در جهت تداوم این چرخه ایجاد شناخت و توان.

- بسترسازی و تسهیل‌گری جهت کنشگری دیگران در جهت کمک به حرکت عمومی

جامعه^{۳۰}

^{۲۸} هرگونه فعالیت را می‌توان مصادق این امر دانست؛ شغلی، فرهنگی، تربیتی، مذهبی، سیاسی و ...

^{۲۹} آثار و فواید این نسبت‌یابی در زمان دفاع مقدس تجربه شده است. در آن زمان، چون آحاد جامعه نسبت به چشم‌انداز و هدف در دفاع مقدس که دفاع از کشور و ارزش‌های انقلاب و همچنین پیروزی بر دشمن بود واقف بودند، براساس توان و ظرفیت خود، نسب و وظیفه خود با این هدف را دریافت می‌کردند و براساس آن عمل می‌کردند. به همین دلیل یک پیرزن در یک روستای دورافتاده نیز، درحد توان خود، چند عدد نان می‌پخت و به رزمندگان و اهدا می‌کرد.

^{۳۰} بطور کلی، مقصود، کنشگریست که بعد از رسیدن به فهم، تلاش کند دیگران را نیز به فهم و ضرورت عمل برای رسیدن به تمدن اسلامی و متناسب با آن برساند؛ یعنی افراد بدانند نقطه مطلوبی دارند و باید همه کارهای خود را در ظاهر و باطن با آن منطبق کنند.

لوازم و مختصات

- شناخت چشم‌انداز جامعه و تمدن اسلامی^{۳۱} و مسیر رسیدن به آن
- درک ضرورت حرکت عمومی جامعه به سمت تمدن اسلامی
- شناخت صحنه (شناخت عناصر درگیر؛ دوست و دشمن، فرصت‌ها و تهدیدها و ...)
- فهم و توان تبیین چیستی و چرایی حلقه میانی
- توان برنامه‌ریزی و ارائه راهکار برای تقویت و توسعه حرکت عمومی جامعه
- باتجربه، فعال و پیگیر بودن
- داشتن نگاه و نقش تسهیل‌گرانه در ایجاد و فعالیت دیگر افراد و مجموعه‌ها بعنوان حلقه میانی و عدم انحصارطلبی (بسترسازی در جهت تکثیر)
- تجهیز به ابزارهای امیدبخش و ارائه نقاط روشن برای امکان و ضرورت حرکت به سمت تمدن اسلامی

^{۳۱} شاخصه اصلی و عمومی این تمدن، بهره‌مندی انسانها از همه ظرفیت‌های مادی و معنوی‌ای است که خداوند برای تأمین سعادت و تعالی آنان، در عالم طبیعت و در وجود خود آنان تعبیه کرده است. آرایش ظاهری این تمدن را در حکومت مردمی، در قوانین برگرفته از قرآن، در اجتهاد و پاسخگویی به نیازهای نوبه‌نوی بشر، در پرهیز از تحجر و ارتجاع و نیز بدعت و التقاط، در ایجاد رفاه و ثروت عمومی، در استقرار عدالت، در خلاص شدن از اقتصاد مبتنی بر ویژه‌خواری و ربا و تکاثر، در گسترش اخلاق انسانی، در دفاع از مظلومان عالم، و در تلاش و کار و ابتکار، می‌توان و باید مشاهده کرد. (بیانات در اجلاس جهانی علما و بیداری اسلامی ۹۲/۰۲/۰۹)

از جمله راهکارهایی که حلقه میانی می‌تواند به منظور تسهیلگری برای ورود مردم به ویژه جوانان متعهد به عرصه کنشگری فعال برای حل مسائل خود و دیگران، با رویکرد جامعه سازی اسلامی ارائه و انجام دهد

- تشکیل کارگروه‌های فعال فرهنگی از جمله هیأت (یک گروه از جوانان متشکل و با فکر و صاحب ذهن فعال)

- تشکیل کارگروه‌های فعال در موضوعات اجتماعی مثل محیط زیست، کودکان کار و ...

- تشکیل گروه‌های فعالیت سیاسی با هدف تحلیل سیاسی کردن، حوادث سیاسی را

- شناختن، فهمیدن و منتقل کردن

- تشکیل میزگردها و کرسی‌های آزاداندیشی

- تشکیل گروه‌های نهضتی در ارتباط با مسائل بین‌الملل و مسائل جهان (فعال شدن در

زمینه مسائل جهان اسلام)

- تشکیل گروه‌های علمی و همکاری با مراکز علمی

- همکاری با شرکتهای دانش‌بنیان و کار اقتصادی

- توسعه، تقویت و هدف‌دارتر کردن کارهای خدماتی مثل گروه‌های جهادی

- فعالیت‌های اطلاعاتی مردمی (اطلاع‌رسانی)

- تشکیل گروه مطالبه‌گران میدانی

- ایجاد بستر فعالیت‌های اجتماعی مثل هفت‌تپه

- و ...

کلام آخر

سلوک انقلاب اسلامی به سمت تمدن اسلامی در حال انجام است اما حضور آگاهانه و حداکثری مردم در این سلوک، می‌تواند به آن، سرعت بدهد. الگوی حضور مطلوب مردم، توسط راهبر و دیده‌بان این انقلاب، در قالب شکل‌گیری حلقه‌های میانی مطرح شده است. لذاست که ترویج و تبیین آن از اولویت‌هاست.

خداوند به همه توفیق انجام وظیفه در مسیر تحقق تمدن نوین اسلامی عنایت فرماید.
ان شاء الله.



آنچه آن «تمدن» را پدید آورد « یعنی اسلام و معارف زندگی ساز آن
هم اکنون نیز در اختیار ماست و به ما هشدار می دهد: که «یا ایها الذین آمنوا
استَجِیْبُوا لِلَّهِ وَلِلرَّسُولِ إِذَا دَعَاكُمْ لِمَا يُحْیِیْكُمْ».

اسلام ثابت کرده است ظرفیت آن را دارد که امت خود را به اعتلای مدنی و
علمی و عزّت و قدرت سیاسی برساند. ایمان و مجاهدت و پرهیز از تفرقه، تنها
شرط های تحقق این هدف بزرگ است و قرآن به ما می آموزد «وَلَا تَهِنُوا وَلَا
تَحْزَنُوا وَ أَنْتُمْ الْأَعْلَوْنَ إِنْ كُنْتُمْ مُؤْمِنِينَ» و می آموزد «وَالَّذِينَ جَاهَدُوا فِينَا
لَنَهْدِيَنَّهُمْ سُبُلَنَا وَإِنَّ اللَّهَ لَمَعَ الْمُحْسِنِينَ» و می آموزد «وَأَطِيعُوا اللَّهَ وَ رَسُولَهُ
وَلَا تَنَازَعُوا فَتَفْشَلُوا وَ تَذْهَبَ رِیْحُكُمْ وَ اصْبِرُوا إِنَّ اللَّهَ مَعَ الصَّابِرِينَ».

ضعف این سه عامل، امت اسلامی را امروز در وضع تأسّف باری قرار داده است.